

جایگاه کتب لغت در فهم احادیث

سجاد شهرمیانی*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷

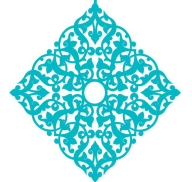
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۳

چکیده

کشف معنای حدیث هدف نهایی هر پژوهشگر دینی است و از آنجاکه غرض کتب صرفی و نحوی حفظ لسان از خطا و تصحیح گفتار است و سخنی از فهم کلام به میان نیآورده‌اند و نیز با توجه به اینکه از زمان صدور حدیث فاصله گرفته‌ایم نیازمند بررسی با روش‌های دقیقی هستیم که یکی از مهم‌ترین روش‌ها رجوع به کتب لغت است چراکه غرض نهایی از علم لغت و کتب لغوی شناخت صحیح زبان عرب به جهت فهم آثار برجای مانده به زبان عربی است که شامل احادیث اهل بیت علیهم السلام می‌شود بدیهی است اهل بیت علیهم السلام مطابق با زبان متعارف مردم، بیان معارف می‌کردند ولی از آنجاکه هر لغت‌نامه طبق مبنایی نوشته شده و از عهده‌ی تمام جوانب مباحث لغتی برنیامده است برای رسیدن به فهم واژه احادیث نیازمند رجوع به تمام کتب لغوی کهن هستیم و لذا به علت رجوع ناقص به این منابع پاره‌ای از احادیث در جامعه و حتی در نوشتار متخصصین با معانی اشتباه رواج یافته‌اند. این نوشتار ابتدا به ذکر کتب کهن لغت پرداخته و سپس نمونه‌هایی از رجوع ناقص به لغت‌نامه‌ها را ذکر کرده تا خواننده دریابد که برای رسیدن به معنای واژه حدیث باید رجوع به کتب لغوی کهن کامل و تام باشد تا به مراد اصلی معصوم پی ببرد.

کلیدواژگان: آسیب فهم حدیث، ترجمه نادرست حدیث، کتب لغت.

* دانش آموخته مؤسسه علوم حدیث حوزه علمیه قم.



مقدمه

یکی از دغدغه‌های اصلی طلاب علوم دینی فهم حدیث و درک مراد اصلی معصوم علیهم‌السلام است و برای دستیابی به این مهم؛ فهم مفردات حدیث ضروری است زیرا بدون ادراک الفاظ یک جمله فهم آن ممکن نیست. یکی از مهم‌ترین راه‌های فهم مفردات، یافتن معنی الفاظ آن‌ها با مراجعه به کتب لغت و اقوال لغت نویسان است اما گاه بسنده کردن به یک منبع لغوی، پژوهشگر دینی را به اشتباه می‌اندازد و مانع دستیابی به مراد معصوم علیه‌السلام می‌شود چراکه هر لغت‌نامه طبق مبنایی نوشته شده و از عهده‌ی تمام جوانب مباحث لغوی برنیامده است و چه بسا در سایه رجوع نکردن به تمام کتب لغت به برخی از برداشت‌ها از احادیث و جهه دینی داده شود که موجب وهن دین گردد و گاهی دیده شده در احادیث به دلیل ترجمه نادرست روایات امور کم اهمیت و یا حتی نادرست وارد فرهنگ مسلمانان شده و به حضرات معصومین علیهم‌السلام نسبت داده شده است بنابراین اگر برای ترجمه احادیث فقط به یک کتاب از لغت‌نامه‌ها رجوع شود به آسیب‌های مواجهه خواهیم شد که بعضاً برخلاف آموزه‌های دینی اسلام است که این امر باعث می‌شود گاه‌گاهاً ترجمه‌های بی ربط به احادیث آورده شود که عقلایی به نظر نمی‌رسد و طبعاً مایه‌ی تمسخر و یا انکار بعضی احادیث شود از این رو نیکو است طلاب علوم دینی با علوم لغوی و انواع کتاب‌های لغت آشنایی لازم و کافی را داشته باشند. با توجه به تتبع نگارنده در احادیث و رجوع به کتب لغوی چند نمونه از احادیثی که مطالب فوق را به اثبات می‌رساند را آورده و بعد از آن ترجمه‌ی اشتباه احادیث که به سبب رجوع ناقص به کتب لغوی شهرت یافته را ذکر کرده و معنای صحیح آن‌ها را با رجوع به سایر لغت‌نامه‌ها و تأمل در آن‌ها بیان می‌کند. لازم به ذکر است در این زمینه بنا بر تتبع نگارنده؛ کتاب، مقاله و یا پایان‌نامه‌ای نوشته نشده است.

۱- معرفی اجمالی مهم‌ترین معاجم لغوی

الف) العین خلیل بن احمد فراهیدی (۱۰۱ تا ۱۷۵ ه.ق)

العین اثر فاخر منسوب به ابی عبدالرحمن خلیل بن احمد بن عمرو فراهیدی، تقریباً اولین کتاب جامع در علم لغت است که شاهد ارزش و اعتبارش، اثرپذیری واضح معاجم



بعدی از اوست. به طوری که علاوه بر شیوه ارائه و جامعیت لغات، حتی در موارد بسیاری عین کلمات العین در دیگر معاجم یافت می شود (السیوطی، المزهرفی علوم اللغه و أنواعها، بی تا: ج ۱، ص ۶۳).

پشتوانه کتاب

العین کتابی ارتکازی (کتاب لغت ارتکازی کتابی است که مؤلفش ارتکازات و دریافت های شخصی خود را از واژگان ارائه داده است اولین لغت نامه های عرب چنین هویتی داشته اند مؤلفین آن ها واژگان دوره خود یا قریب به عصر خویش را بر اساس فهم و ارتکاز شخصی تبیین می کردند و کیلی، در سنانه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۱۳۸) است و نقل از آثار و کلمات دیگر لغویان در این کتاب بسیار کم رنگ است؛ زیرا جزء اولین کتب جامع بوده و در اوان تولد علم لغت نگاشته شده است. با وجود ارتکازی بودن العین، نمی توان از هویت اجتهادی آن چشم پوشید. خلیل این کتاب را بر مبنای لغوی ای بنا کرد که در عصر خویش بی سابقه بودند (و کیلی، در سنانه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۱۳۸).

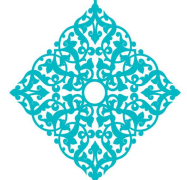
ویژگی های کتاب العین

استناد علما و لغویان به آن

رجوع به این معجم در بین علما، شایع و انتساب کتاب به خلیل در بین آن ها مشهور است و در فهم واژگان متون دینی این کتاب مورد استناد قرار گرفته است. العین از مصادر مهم معاجمی مانند تهذیب اللغه از هری، الصحاح جوهری، المحکم ابن سیده، جمهره اللغه ابن درید و مقایس اللغه در قرن های بعد از خود است و لغت دانان بزرگ به آن اعتماد کرده اند (دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه، درآمدی بر لغت شناسی، ۱۳۹۶: ص ۵۴).

برشردن تمام کلمات عربی

برای احصا و به دست آوردن کلمات، خلیل شیوه ای جدید به کار گرفت که با به کارگیری آن، کلمه ای از قلم نیفتد؛ او ابتدا همه واژه ها را به ریشه هایشان تقلیل داد و سپس ریشه ها را بر اساس شماره حروف آن ها به دسته های دو حرفی، سه حرفی و





پنج حرفی طبقه‌بندی کرد. سپس در هر دسته، حالت‌های مختلف قرار گرفتن حروف را فرض کرد و ی سپس از میان این حالات ممکن، ماده‌های مستعمل را از مهمل‌ها متمایز کرد (دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه، درآمدی بر لغت‌شناسی، ۱۳۹۶: ص ۵۴).

تنظیم بر اساس مخارج حروف و شروع با حروف حلقی

خلیل، کتاب خود را بر اساس مخارج حروف تنظیم کرد و از حروف حلقی شروع کرد خلیل ادله‌ای داشته، از جمله اینکه حروف حلقی بسیار مورد استفاده و آشنا بود. در محیط خشن عربستان، حروف حلقی تناسب بیشتری برای رساندن معانی بود و در امور مهم از حرف «عین» استفاده می‌کرد (همان: ص ۵۵).

ب) کتاب الجیم ابو عمرو شیبانی (حدود ۱۰۵ تا ۲۲۰ ق)

از دیگر کتب قابل توجه در تاریخ علم لغت کتاب الجیم تألیف ابو عمرو شیبانی است. ابو عمرو بر کتاب الجیم مقدمه یا خطبه‌ای نگاشته تا بر اساس آن پیرامون کلیات کتاب اطلاعاتی کسب کنیم؛ اما از متن کتاب و دیگر فعالیت‌های علمی نگارنده برمی‌آید که ابو عمرو در کتاب الجیم گزارشی از استعمالات و اقوال عرب فصیح را که مستقیم استماع کرده بود، انعکاس داده است (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۱۵۳).

پشتوانه

الجیم کتابی ارتکازی است. ابو عمرو به سبب اشعار و سخنان کثیری که از قبائل مختلف ضبط کرده بود، دارای احاطه و ارتکازی شایان قبول نسبت به واژگان عرب بود. وی در الجیم ذیل ذکر لغات عرب، به توضیح آن‌ها پرداخته است (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۱۵۷).

دامنه

- الجیم ترجمه محور است.
- الجیم معجمی تک‌زبان (کتب تک‌زبان آن دسته از کتبی هستند که لغات یک زبان را با کمک سائر لغات همان زبان تفسیر می‌کنند) است.

- الجیم از کتب فصیح است. تنها لغاتی را که از قبائل فصیح شنیده، بیان می‌کند. در میان این الفاظ برخی غریب محسوب می‌شوند.
- الجیم لغت‌نامه‌ای تقریباً عمومی است. ابو عمرو تلاش کرده عموم مواد لغت را بررسی کند.
- کتاب الجیم استعمال محور است و سخنی از وضع و مجاز به میان نمی‌آورد (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۱۵۷).

ج) الغریب المصنف ابو عبید قاسم بن سلام (حدود ۱۵۰ تا ۲۲۴ق)

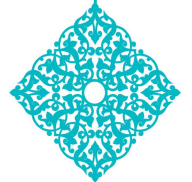
این کتاب مورد توجه علمای فن قرار گرفته و شروح و تلخیصاتی بر او نوشته شده است. ابتکار وی در تدوین اولین معجم جامع موضوعی از جمله علل ارزش الغریب المصنف است.

پشتوانه کتاب

الغریب المصنف در غالب موارد کتابی نقلی است. سراسر کتاب نام افرادی به چشم می‌خورد که ابو عبید از آن‌ها نقل قول کرده است. از آن‌رو که این نقل‌ها عموماً شفاهی بوده ارزش بسیاری دارند. عمده تلاش او در جامعیت بخشی و مستندسازی مباحث لغت است. وی در این راستا حدود یک هزار باب افتتاح نمود و به بیش از یک هزار بیت استشهاد کرد. با توجه به اینکه از کتب دیگران بهره بسیار می‌برد، از ذکر نام منبع فرو نمی‌گذاشت. به نقل از ابو عبید، مدت زمان تألیف این کتاب را چهل سال گفته‌اند (القفطی، انباه الرواة علی انباه النحاة، ۱۴۲۴ق: ج ۳، ص ۲۲).

دامنه کتاب

- الغریب المصنف ترجمه محور است.
- الغریب المصنف تک زبانه است.
- الغریب المصنف فصیح است.
- الغریب المصنف معجم عمومی است. ابو عبید در طول چهل سال استماع لغات مختلف عرب، ۱۷۹۷۰ لغت را جمع‌آوری کرده است.



• الغریب المصنف استعمال محور است (ابوعبید قاسم بن سلام، الغریب المصنف، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۴).

ساختار کتاب

الغریب المصنف معجمی موضوعی است (همان: ج ۱، ص ۱۶۴).

د) کتاب جمهره اللغة ابن درید (۲۲۳ تا ۳۲۱ق)

این کتاب از جمله کتب مشهور و مؤثر در تکامل علم لغتنامه نویسی بوده که توسط ابن درید تألیف شده است.

پشتوانه کتاب

جمهره اللغة کتابی نقلی ارتکازی است (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۱۷۲). ابن درید در تولید مبانی استقلالی نداشته است. وی در مقدمه کتاب مباحث مفصلی در علم صرف، اشتقاق و آشناسی دارد که برگرفته از نظریات امثال خلیل باکمی اضافات است. ابن درید همچون خلیل، به خصوصیات آوایی و سیر زبانی الفاظ توجه می‌نموده و بر اساس آنها الفاظ فصیح را از غیر فصیح و حسن را از غیر حسن تشخیص می‌داده است (جعفری، درآمدی بر علم اللغة، ۱۳۹۱: ص ۱۰۲).

دامنه کتاب

جمهره اللغة ترجمه محور است (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۱۷۳). جمهره اللغة تک‌زبان است. (همان) ابن درید از بررسی لغات اقوام مشهور چون قریش فراتر رفته و لغات بسیاری از اقوام را بررسی کرده است. او از استعمالات اقوامی چون ازد، انصار، تمیم، ثقیف، حمیر، بنی حنیفه، خزاعه، قیس، طی و عبد القیس چشم‌پوشیده است. همچنین به بررسی استعمالات اقلیمی چون بحرین، جوف، حجاز، شام، شحر، عراق، مدینه، مکه، نجد، یمامه و خصوصاً یمن پرداخته است. جمهره اللغة استعمال محور بوده و تفکیکی بین استعمالات مجازی و حقیقی ننموده است (ابن درید، جمهره اللغة، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۱).



ساختار کتاب

جمهره اللغة معجمی لفظی است. ابن درید در تبویب اثر خود موازین اشتقاقی و ابثی را دخالت داده و در عصر خود ترتیبی نوین بنا نهاد. هدف او به تصریح خودش گریز از غموض العین بوده است.

ه) مقایس اللغة احمد بن فارس (۳۵۹ ق.ه)

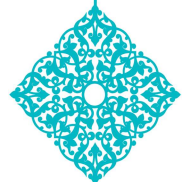
این کتاب نفیس تألیف أبو الحسین أحمد بن فارس است. این کتاب که اولین کتاب اجتهادی در نوع خود است، مورد توجه لغویان بعدی قرار گرفت (دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه، درآمدی بر لغت شناسی، ۱۳۹۶: ص ۷۹).

دامنه کتاب

- مقایس اللغة ترجمه محور است؛ زیرا مؤلف آن در پی اثبات مقایس معنایی برای لغات بوده است (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۱۹۰).
- مقایس اللغة تک‌زبان است (همان: ص ۱۹۱).
- مقایس اللغة کتابی فصیح است؛ زیرا ابن فارس مبنای خود را فقط در لغات فصیح جاری می‌داند (ابن فارس، مقایس اللغة، بی‌تا: ج ۱، ص ۶۳).
- مقایس اللغة از لغت‌نامه‌ای عمومی است.
- مقایس اللغة از اولین کتبی است که می‌توان آن را وضع محور دانست (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۱۹۱).

و) تهذیب اللغة ابو منصور ازهری (۲۸۲ تا ۳۷۰ ق)

قرن دوم و سوم نقاط حساس تکامل علم لغت بود. شیوع بیش‌ازپیش لغات غیر فصیح، خلط واژگان اصیل با مولد و نوپایی علم لغت، زمینه انحراف این علم را پدید آورده بود. در این میان، لغت‌شناسانی پا به عرصه گذاشته و با تهذیب واژگان سره از مشوب، لغت را در مسیر خود حفظ کردند. از جمله آن‌ها ابومنصور ازهری با کتاب تهذیب اللغة است (ازهری، تهذیب اللغة، بی‌تا: ج ۱، ص ۷).



پشتوانه کتاب

تهذیب اللغه کتابی نقلی ارتکازی است. کثرت نقل یکی از ویژگی‌های این کتاب مفصل است. به‌عنوان نمونه معظم مباحث العین را نقل کرده است. علمای پیشکسوت و معاصر او مانند ابو عبید، ابن درید، اصمعی، ابی عمرو بن علاء و خلیل، کتب و کلمات ارزنده‌ای برجای گذاشته بودند که مورد استفاده ابومنصور قرار می‌گرفت که در برخی مواضع نقل از لغویان، به نام آن‌ها تصریح می‌کند. وی استناد فراوان به آیات، احادیث و قرائات مختلف کرده است (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۲۰۲).

دامنه کتاب

- تهذیب اللغه کتابی ترجمه محور است.
- تهذیب اللغه تک‌زبان است. مؤلف از بیان لهجات قبائل عرب نیز غفلت ننموده است.

- تهذیب اللغه لغتنامه‌ای عمومی است.

- تهذیب اللغه استعمال محور است (همان: ص ۲۰۳).

ز) تاج اللغه وصحاح العربیه ابونصر جوهری (۳۹۳ ق)

کتاب تاج اللغه وصحاح العربیه، اثر نفیسی است که نزد اهل فن مقبول افتاد؛ تا آنجا که متن درسی علم لغت قرار گرفت و در مجامع علمی شهرت یافت (السیوطی، المزهر فی علوم اللغه و أنواعها، بی تا: ج ۱، ص ۷۵).

پشتوانه کتاب

تاج کتابی نقلی و ارتکازی است (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۲۱۱). جوهری با اتکاء به آثار و کلمات اهل فن و همچنین ارتکازات شخصی به دست آمده از هم‌صحبتی بادیه‌نشینان، تألیف کتاب را پیش برد. همچون پیشینیان، با استشهاده به قرآن، حدیث، اشعار و کلمات فصحاء کار خود را مستندسازی کرد (دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه، درآمدی بر لغت شناسی، ۱۳۹۶: ص ۶۸).

دامنه کتاب

- تاج اللغه وصحاح العربیه ترجمه محور است.



- تاج اللغة وصحاح العربیة تک‌زبانہ است.
- تاج اللغة وصحاح العربیة فقط استعمالات فصیح را بیان کرده است.
- تاج اللغة وصحاح العربیة لغت نامہ‌ای است کہ لغات عمومی عرب را بررسی کرده است.
- تاج اللغة وصحاح العربیة استعمال محور است (وکیلی، درسنامہ علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۲۱۱).

ح) مفردات الفاظ القرآن راغب اصفهانی (۴۲۵ ق)

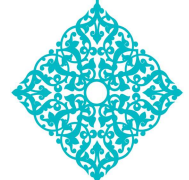
این کتاب از ارزشمندترین کتب لغت، تألیف راغب اصفهانی است کہ به شکل دقیقی به تفسیر لغات قرآن کریم پرداخته است. راغب اصفهانی ضمن مقدمه مختصری، قرآن کریم را حاوی معارف عمیق و وسیعی می‌داند کہ در الفاظ کوتاه و فشرده به احسن وجه بیان شده است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، بی تا: ص ۵۳).

پشتوانه کتاب

مفردات الفاظ القرآن کتابی نقلی تا حدودی ارتکازی و صدالبته اجتهادی هرچند تصریح چندانی به نام آن‌ها نمی‌کند. راغب بهره‌های بسیاری از کتب علمای لغت و نحوی صبح چندانی به نام آن‌ها نمی‌کند. کتبی چون العین المجمع فی اللغة، الشامل فی اللغة، تهذیب الألفاظ، معانی القرآن (فراء)، معانی القان ماجر)، جمهره اللغة، مجاز القرآن (ابی عبیده)، معانی القرآن أخفش و المصنف. همچنین از سخنان علمایی چون یونس، سیبویه، میرد، ابن اعرابی بهره برده است. او علاوه بر علمای ادب به کلمات مفسرین، متکلمین و حکما نیز تمسک جسته است (وکیلی، درسنامہ علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۲۲۱).

دامنه کتاب

- مفردات الفاظ القرآن ترجمه محور است.
- مفردات الفاظ القرآن فصیح است.
- مفردات الفاظ القرآن کتابی تخصصی است و جز به ندرت، جوابگوی لغات غیر قرآنی نیست.





• مفردات الفاظ القرآن وضع محور است (همان: ص ۲۲۳).

ط) أساس البلاغة زمخشری (۶۶۷ تا ۵۳۸ق)

از جمله کتب مؤثر و نام‌آور در تاریخ تدوین معاجم، أساس البلاغة تألیف زمخشری است. این کتاب بابتی را فراوی علم لغت گشود که سبب تکامل قابل توجهی در این علم گردید. زمخشری در مقدمه کوتاه اما بلیغ و پرمغزش با اشاره به عمق فصاحت و بلاغت قرآن کریم، ایماء هدف نهایی تألیفش را شناخت اعجاز بلاغی کتاب خدا معرفی می‌کند (جعفری، درآمدی در علم اللغة، ۱۳۹۱: ص ۱۱۷).

پشتوانه کتاب

أساس البلاغة کتابی اجتهادی و ارتکازی است. اجتهادی بودن این کتاب از آن جهت است که زمخشری با اتکاء به دانش بلاغت، به طور گسترده‌ای حقیقت را از مجاز تفکیک کرد. اتکاء بر ارتکاز نیز پرواضح است؛ زیرا زمخشری با اتکاء به شم فصاحت و بلاغت شخصی، اقدام به تفسیر گسترده استعمالات نامتعارف نمود؛ اقدامی که با آن گستردگی، سابقه‌ای در کلمات پیشینیان نداشت (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۲۳۰).

دامنه کتاب

- أساس البلاغة ترجمه محور است.
- أساس البلاغة معجمی تک‌زبان است.
- اساس البلاغة فقط به بررسی استعمالات فصیح پرداخته است.
- أساس البلاغة معجمی عمومی محسوب می‌شود.
- أساس البلاغة وضع محور است که به طور بی‌سابقه‌ای بین استعمالات مجازی و حقیقی تفکیک کرده است (همان: ص ۲۳۱) و

ی) لسان العرب ابن منظور (۶۳۰ تا ۷۱۱ق)

ابن منظور در مقدمه لسان العرب هدف نهایی خود را شناخت قرآن کریم و احادیث شریف بیان می‌کند. وی مردم عصر خود را از زبان قرآن و حدیث دور دیده و از گرایش آن‌ها به زبان‌های بیگانه گلایه می‌کند (ابن منظور، لسان العرب، بی‌تا: ج ۱، ص ۸).

پشتوانه کتاب

لسان العرب نقلی محض است (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۲۴۱). ابن منظور تنها به جمع‌آوری و تلفیق بهترین کتب لغوی، پرداخته است. وی با ادغام چندی از کتب و مرتب‌سازی ابواب جهت تسهیل دستیابی به لغات، تلاش بعد فوائد کتب لغت پیشین را بدون پیچیدگی عرضه کند. منابع اصلی نقل او عبارت‌اند از تهذیب اللغه، تاج اللغه و صحاح العربیه، حواشی ابن بری بر صحاح، المحکم والمحیط الأعظم والنهایه فی غریب الحدیث والأثر. ابن منظور تلاش کرده مطالب آن‌ها را با امانت‌داری به لسان العرب انتقال دهد (جعفری، درآمدی در علم اللغه، ۱۳۹۱: ص ۱۲۰).

دامنه کتاب

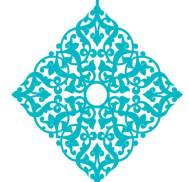
- لسان العرب در عین ترجمه محوری به مباحث صرفی و نحوی، ذیل بسیاری از لغات، اشاره‌های فراوانی دارد.
- لسان العرب لغت نامه‌ای تک‌زبانه است.
- لسان العرب لغت نامه‌ای فصیح است.
- لسان العرب معجمی عمومی است که قریب به هشتاد هزار ماده را به بحث و بررسی گذاشته است.
- لسان العرب به تبع منابع خود غالباً استعمال محور است (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۲۴۳).

ک (القاموس المحیط فیروزآبادی (۷۲۹ تا ۵۸۱۷ ق.)

قاموس المحیط از کتب مؤثر در شیوه لغت نامه‌نویسی است؛ به طوری که می‌توان آن را پدر کتب لغتی چون المنجد دانست. فیروزآبادی مؤلف قاموس علاوه بر تلاش برای تجمیع لغات سره، با حذف بسیاری از مستندات مانند اشعار، امثال و آیات، سبکی نو در تولید کتب لغت مختصر بنیان نهاد (فیروزآبادی، القاموس المحیط، ۱۴۲۶ق: ج ۱، ص ۲۶).

پشتوانه کتاب

قاموس عمدتاً نقلی است (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۲۵۰).



دامنه کتاب

- القاموس المحيط لغت نامه‌ای ترجمه محور است.
- القاموس المحيط لغت نامه‌ای تک‌زبانه است.
- القاموس المحيط لغت نامه‌ای است که علاوه بر لغات فصیح واژه‌های مولد را نیز در خود جای داده است.
- القاموس المحيط لغت نامه‌ای عمومی است که حدود ششصد هزار لغت را مطرح می‌کند؛ درعین حال اختصار از خصائص این کتاب است.
- القاموس المحيط لغت نامه‌ای استعمال محور است (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۲۵۲).

ل) مجمع البحرين ومطلع النیرین فخرالدین طریحی (۹۷۹ تا ۱۰۸۲)

از جمله کتب ارزشمندی که به هدف تبیین واژگان قرآن و احادیث شیعه نگاشته شد، مجمع البحرين تألیف علامه طریحی است. مؤلف در مقدمه کتاب، پس از گزارش تلاش‌های اهل سنت در تألیف آثاری که لغات آیات قرآن کریم و احادیث عامه را تشریح کند، اظهار می‌دارد، هیچ‌کس در مورد احادیث شیعه چنین تألیفی نکرده است؛ بنابراین نگارش کتابی را که تبیین‌گر لغات مستعمل در قرآن و حدیث شیعه، خصوصاً واژگان غریب و مشکل باشد (طریحی، مجمع البحرين ومطلع النیرین، ۱۳۷۵: ج ۱ ص ۹).

پشتوانه کتاب

این کتاب هرچند در نوع خود ابتکاری است؛ اما بر پایه نقل بناشده است. مباحث لغوی مجمع البحرين متکی بر تلاش‌های پیشینیان است اما تطبیق این مباحث بر آیات و روایات و تبیین مراد استعمالی ناشی از شم فقهات و ذوق ادبی و اصالت عربی و به تعبیری ناشی از اجتهاد اوست (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۲۶۲).

دامنه کتاب

- مجمع البحرين ترجمه محور است
- مجمع البحرين تک‌زبانه است



- مجمع البحرین لغت نامه‌ای تخصصی است فقط واژگانی را تبیین می‌کند که خود آن واژه یا اصل یا مشتقش در دائره قرآن و احادیث شیعه قرار گیرند.
- مجمع البحرین هر چند استعمال محور است (همان: ص ۲۶۴).

م) تاج العروس من جواهر القاموس مرتضی زبیدی (۱۱۴۵ تا ۱۲۰۵ ق)

تاج العروس تألیف زبیدی جزء مفصل‌ترین کتب لغت مشهور و در دسترس است. زبیدی این کتاب را به‌عنوان شرح القاموس المحيط نگاشت؛ شرحی که تلاش کرد تمام شروح و حواشی قاموس و ده‌ها کتب دیگر را در خود جای دهد (زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۱۴۱۴ ق: ج ۱، صص ۲۸-۳۰).

پشتوانه کتاب

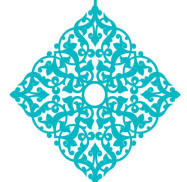
تاج العروس معجمی نقلی است. وی با اتکاء بر ۱۲۰ کتاب که در مقدمه کتاب ذکر کرده، چنین معجم حجیمی را گردآورد (وکیلی، درسنامه علم لغت، ۱۳۹۹: ص ۲۷۵).

دامنه کتاب

- تاج العروس هم ترجمه محور وهم لفظ محور است.
- تاج العروس تک‌زبان است.
- تاج العروس کتابی فصیح است و بر عدم فصاحت و ازگان تصریح می‌کند.
- تاج العروس معجمی عمومی و بسیار گسترده است.
- تاج العروس وضع محور است (همان: ص ۲۷۸).

ن) فقه اللغة و سر العربیة ثعالبی (۳۵۰ تا ۴۲۹ هـ ق)

کتاب فقه اللغة و کتاب سر العربیة دو کتاب مستقلی بود که ابو منصور عبد الملک بن محمد بن اسماعیل الثعالبی، از ادباء، فصحاء و نوادر عصر خویش، تألیف کرد و در چند قرن اخیر در یک کتاب طبع گردید. عموم مطالب این کتاب به نقل از کتب و کلمات پیشینیان خصوصاً الغریب المصنف است. این کتاب به سبک معجم موضوعی نگاشته شده است (ثعالبی، فقه اللغة و سر العربیة، بی تا: ص ۳۴).



س) المخصص ابن سیده (۳۹۸ تا ۴۵۸ق)

الحسن علی بن اسماعیل بن سیده اندلسی، نحوی و لغوی نامدار قرن پنجم که با وجود نابینایی از حافظه‌ای عجیب برخوردار بود، اقدام به نگارش یکی از مفصل‌ترین معجم‌های موضوعی بانام المخصص نمود. و تبویب کلی المخصص تقریباً بر اساس الغریب المصنف است؛ البته با اضافات عناوین و ابواب جدیدی که از نگاه پیشینیان مخفی مانده بود (ابن سیده، المخصص، بی تا: ج ۱۳، ص ۵۷).

ع) النهایة فی غریب الحدیث والأثر ابن اثیر (۵۴۴ تا ۶۰۶ق)

ابن اثیر باهدف توضیح مواد، کلمات یا ترکیبات مشکل در احادیث نبوی و آثار صحابه دست به تالیف نهایة میزند و با احاطه‌ای که نسبت به کتب و مطالب پیشینیان پیرامون توضیح احادیث غریب کسب کرده بود، حداکثر تلاش خود را برای اتقان نهایه خرج می‌کند. این کتاب که مقبول و مرجع اهل تحقیق قرار گرفت عموماً برگرفته از کتاب غریب الحدیث هروی و غریب الحدیث ابوموسی اصفهانی است (ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۱۳).

۲- تأثیر کتب لغت بر فهم احادیث

الف) بستن سنگ بر شکم

اهل علم و بالتبع در بین مردم در بیان فضیلتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) استناد به سخن آن حضرت کرده که وی در زمان رسول خدا از گرسنگی سنگ بر شکم می‌بستند تا از احساس گرسنگی‌اش کاسته شود (فاطمی، آسیب بسندگی به لغت نامه‌ها در فهم حدیث، ۱۳۹۵). حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

«حَدَّثَنَا حَجَّاجٌ، حَدَّثَنَا شَرِيكٌ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ كَلَيْبٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبِ الْقُرَظِيِّ: أَنَّ عَلِيًّا، عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: لَقَدْ رَأَيْتَنِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَإِنِّي لَارْبَطُ الْحَجَرَ عَلَى بَطْنِي مِنَ الْجُوعِ، وَإِنَّ صَدَقَتِي الْيَوْمَ لَارْبِعُونَ أَلْفًا» (ابن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۱۴۱۴ق: ج ۵۰، ص ۲۰۰).

ترجمه‌ای که با رجوع به بعضی از کتب لغوی مشهور شده این است که:



«خود را به یاد می‌آورم که در زمان پیامبر خدا از گرسنگی، سنگ برشکم می‌بستم و امروز، صدقه‌های واجب من، چهل هزار سکه است».

کلمه «ح ج ر» با مراجعه به برخی از کتب لغوی چنین معنا شده است:
 «الحجر: قد يكون مصدره للحجره التي يحتجرها الرجل، وحجارها: حائطها المحيط بها... وحجر المرأة وجهها، لغتان، للحضنين» (فراهیدی، کتاب العین، بی تا: ج ۳، ص ۷۵)،
 «الحَجَرُ جمعه فی القلَّةُ أحجار، وفی الکثرة حجار وحجاره... وكل ما حجرته من حائط فهو حجر» (جوهری، الصحاح، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۶۲۳).

با کمی تأمل در حدیث مذکور به این مطلب می‌رسیم که بستن سنگ برشکم چه کمکی به رفع گرسنگی می‌کند؟! و لذا با مراجعه به تمام کتب لغت معنی دیگری میابیم که با سیاق حدیث سازگارتر است: زمخشری در کتاب مقدمه الادب، باب فی الأثواب و اصناف الریاش می‌نویسد:

«حَجْرٌ [حَجْرٌ] معاً کنار دامن، کنار جامه» (زمخشری، مقدمه الأدب، ۱۳۸۶: ص ۶۱).
 همچنین ابن منظور در لسان العرب و ابن اثیر در النهایه روایتی را نقل کرده که «هی الیتیمه تکون فی حجر و لیها» و در ادامه می‌نویسند:

«و یجوز من حجر [حجر] الثوب و هو طرفه المتقدم لأن الإنسان یری ولده فی حجره» (ابن اثیر جزری، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۳۴۲؛ ابن منظور، لسان العرب، بی تا: ج ۴، ص ۱۶۷).

بعد از رجوع به کتاب‌های لغت بالا با صراحت معنای «حجر» در روایت بیان شده است؛ و ظاهراً و در اعراب‌گذاری اشتباه رخ داده است و کلمه «حجر» در حدیث مورد بحث، به کسروفتح حاء و سکون جیم است و می‌خواهد بگوید که حضرت امیر (علیه السلام) هنگام شدت گرسنگی، دامن جامه اش را به شکم می‌بست؛ چنان‌که معمولاً انسان گرسنه شکم خود را با دست می‌فشارد. پس معنای سخن امام علی چنین است:

«خود را به یاد می‌آورم که در زمان پیامبر خدا از گرسنگی، دامن لباس را برشکم می‌بستم و امروز، صدقه‌های واجب من، چهل هزار سکه است» (فاطمی، آسیب بسندگی به لغت نامه‌ها در فهم حدیث، ۱۳۹۵).



ب) انجب

معصوم علیه‌السلام در زمینه ازدواج فرمودند:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِذَوَاتِ الْأَوْرَاكِ فَإِنَّهُنَّ أَنْجَبٌ» (کلینی، الکافی، ۱۴۲۹ق: ج ۵، ص ۳۳۴).

«بر شما باد زنانی که باسن بزرگ دارند؛ زیرا آنان نجیب‌ترند». با مراجعه به برخی از کتب لغت نشان می‌دهد که برخی از لغویون معنای نجابت در فارسی را در معنای نجب لحاظ کرده‌اند مانند:

«أنجبت المرأة إذا ولدت ولدا نجيبا... والنجابه: مصدر النجيب من الرجال، وهو الكريم ذو الحسب إذا خرج خروج أبيه في الكرم» (فراهیدی، کتاب العین، بی‌تا: ج ۶، ص ۱۵۲)، «رجل نجيب، أي كريم بين النجابه... وأنجب الرجل، أي ولد نجيبا» (جوهری، الصحاح، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۲۲۲).

برخی با مواجه شدن با این حدیث چنین به ذهنشان خطور می‌کند که چه رابطه‌ای بین بزرگی باسن و نجابت است؟! ولی با دقت در معاجم دیگر درمیابیم کلمه نجب معنی دیگری دارد که ثعالبی در کتاب فقه اللغة و سر العربیة و ابن سیده در کتاب المحکم می‌نویسند:

«إِنَاءٌ مَنْجُوبٌ أَيْ: وَاسِعِ الْجَوْفِ» (ابن سیده، المحکم و المحيط الأعظم، بی‌تا: ج ۷، ص ۴۶۷؛ ثعالبی، فقه اللغة، بی‌تا: ص ۸۶).

همچنین خلیل بن احمد در کتاب العین می‌گوید:

«امرأة مَنْجَاب، أَيْ ذَاتِ أَوْلَادٍ» (فراهیدی، کتاب العین، بی‌تا: ج ۶، ص ۱۵۲).

بنابراین نجب معنای دیگری دارد که به دلیل رجوع نکردن به کتب دیگر لغویان ترجمه صحیحی از آن نشده است و لذا معنی صحیح نجب زایاتر و خوش‌زا تر بودن است که از «ذات اولاد» و یا «واسع» بودن به دست می‌آید و این‌گونه زنان به دلیل بزرگی باسن و در نتیجه بهتر باز شدن لگن و استخوان‌های مربوط، بهتر زایمان می‌کنند و لذا سفارش شده که ازدواج با این‌گونه زنان ترجیح دارد.



ج) ازدواج با دختر

امام صادق علیه السلام از قول پیامبر صلوات الله علیه فرموده‌اند:

« تَزَوَّجُوا الْأَبْكَارَ فَإِنَّهُنَّ أَطْيَبُ شَيْءٍ أَفْوَاهًا وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ وَ أَنْشَفَهُ أَرْحَامًا وَ أَدْرُ شَيْءٍ أَخْلَافًا وَ أَفْتَحُ شَيْءٍ أَرْحَامًا أَمَا مَا عَلِمْتُمْ أَنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسَّقَطِ » (کلینی، الکافی، ۱۴۲۹ق: ج ۵، ص ۳۳۴)؟

«با دختران ازدواج کنید، زیرا دهان آنها از هر چیزی پاکیزه‌تر و خوشبوتر است در حدیث دیگری آمده است: و رحم‌های آنها پذیراتر، و سینه‌هاشان شبرده‌تر و رحم‌هاشان گشادتر است. مگر نمی‌دانید من در روز قیامت در مقابل امت‌های دیگر به شما - حتی به بچه‌های سقط شده شما - مباحات می‌کنم.»

بر اساس فرهنگ ایرانی، ازدواج با دختر بر ازدواج با بیوه‌زن ترجیح دارد. اشتباه در ترجمه احادیث، سبب شده بسیاری بپندارند که این فرهنگ ایرانی، مطابق با فرهنگ اسلامی است. اینان به دلیل رجوع ناقص به کتب لغت تصور کرده‌اند که اسلام نیز سفارش به ازدواج با دختر باکره کرده است و حال اینکه از نظر بوی دهان، پرشیر بودن سینه، داشتن اخلاق نیکو و فرزند زایی چه فرقی بین یک دختر بیست‌ساله و زن بیوه بیست‌ساله است؟! ولی با دقت در لغتنامه‌ها درمی‌یابیم که بکر به معنای جوان است مانند:

«البکر: أَوْلُ كُلِّ أَمْرٍ...»، (اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۶، ص ۲۵۸) «البکر: المرأة التي ولدت بطناً واحداً...» (جوهری، الصحاح، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۵۹۵)، «البکر: أَوْلُ الشَّيْءِ وَ بَدْوُهُ» (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، بی تا: ج ۱، ص ۲۸۷).

همچنین راغب اصفهانی در بیان معنای بکر در آیه (لَا فَارِضٌ وَ لَا بَكْرٌ - ۶۸/ بقره) آورده است: بکر گاوی است که نوزادی نزاده است و دندان‌هایش هم نسوده است (پیر نباشد و زیاد هم جوان نباشد). دوشیزه را هم به اعتبار اینکه شوهر نکرده و نسبت به زنانی که شوهر دارند متفاوت است - بکر - نامیده‌اند (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، بی تا: ج ۱، ص ۳۰۱).

بنابراین ترجمه درست حدیث چنین است:





«با بانوان جوان ازدواج کنید؛ زیرا آنان دهانشان خوشبوتر، سینه‌هایشان شیر افشان‌تر، اخلاقشان نیکوتر و رحم‌هایشان بازتر است. آیا نمی‌دانید که در روز رستاخیز، به بسیاری شما بر دیگر امت‌ها می‌بالم؟ حتی به جنین سقط شده؟»

(د) نسل

در روایتی آمده است «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ أَبِيهِ عَ أَنَّ قَوْمًا مُشَاءً أَدْرَكَهُمُ النَّبِيُّ ص فَشَكَّوْا إِلَيْهِ شِدَّةَ الْمَشْيِ فَقَالَ لَهُمْ اسْتَعِينُوا بِالنَّسْلِ» (برقی، المحاسن، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۳۷۷). «رسول خدا صلوات‌الله‌علیه به گروهی پیاده رسید، پس آن‌ها از سختی پیاده‌روی شکایت به آن حضرت بردند، پیامبر صلوات‌الله‌علیه فرمود: از شتاب کردن و تند راه رفتن یاری بجوئید».

با توجه به معنای متبادر و ابتدایی از لفظ «نسل» در کتب غیر منبع مفهوم ترویج زادوولد و تشکیل خانوادهٔ پرجمعیت در ذهن تقویت می‌شود (مسعودی)، روش فهم حدیث، ۱۳۸۹: ص ۸۵)، اما با مراجعه به کتاب‌های لغت، معلوم می‌شود که «نسل» دو معنا دارد: زایش فرزند و شتاب در حرکت (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، بی‌تا: ج ۵، ص ۴۲۰). با دقت و تأمل در کتب لغت و حدیث، مشخص می‌شود که «نسل» به معنای دوم آمده است.

نتیجه‌گیری

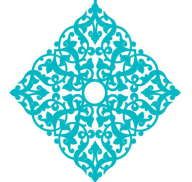
اهلبیت علیهم‌السلام افصح خلایق و اعلم بشر به قواعد ادبی هستند؛ لکن در بیان معارف ملاحظه زبان مخاطب و دیگر شرایط حاکم بر فضای تخاطب، جز لوازم هدایت‌گری آن‌ها است. و بنابر آنچه گفته شد در نوشتار حاضر کتب لغت یا به صورت نقلی و یا به صورت ارتکازی و اجتهادی نگارش شده‌اند و یکی از مهم‌ترین پل‌های ارتباطی برای فهم واژه‌های احادیث معصومین علیهم‌السلام کتب لغت کهن هست بنابراین برای فهم احادیث، مراجعه به تمام کتب لغوی کهن ضرورت دارد و نمی‌توان با مراجعه به یک یا چند لغت‌نامه پی به معنای واژه حدیث برد و گاه بسنده کردن به یک منبع لغوی پژوهشگر دینی را به اشتباه می‌اندازد و مانع دستیابی به مراد معصوم علیه‌السلام می‌شود چراکه هر لغت‌نامه طبق مبنایی نوشته‌شده و از عهده‌ی تمام جوانب مباحث لغتی برنیامده

است و لذا بر پژوهشگر دینی لازم است به تمام کتب لغت کهن رجوع کرده و بعدازآن به تحلیل واژه بپردازد تا به مراد اصلی معصوم علیه السلام برسد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، «النهاية في غريب الحديث والأثر»، ج ۱، چ ۴، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷.
۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، «مسند الإمام أحمد بن حنبل»، ج ۵۰، بی چا، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن درید، «جمهرة اللغة»، ج ۱، چ ۱، دار العلم للملین، بیروت، بی تا.
۴. ابن سیده، علی بن اسماعیل، «المخصص»، ج ۱۳، چ ۱، دارالکتب العلمیة، بیروت، بی تا.
۵. ابن سیده، علی بن اسماعیل، «المحکم و المحيط الأعظم»، ج ۷، چ ۱، دارالکتب العلمیة، بیروت، بی تا.
۶. ابن منظور، «لسان العرب»، ج ۱، چ ۳، دار صادر، بیروت، بی تا.
۷. ابو عبید قاسم بن سلام، «الغریب المصنف»، ج ۱، چ ۱، الموسسه الوطنیه للترجمه و التحقیق و الدراسات بیت الحکمة، تونس، بی تا.
۸. احمد بن فارس، «مقییس اللغة»، ج ۱، چ ۱، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، بی تا.
۹. ازهری، ابومنصور، «تهذیب اللغة»، ج ۱، چ ۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، «المحاسن»، ج ۲، بی چا، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱.
۱۱. ثعالبی، محمد بن اسماعیل، «فقه اللغة و سر العربیة»، چ ۱، دارالکتب العلمیة، بیروت، بی تا.
۱۲. جعفری، ولی الله، «درآمدی بر علم اللغة»، چ ۲، حدیث راه عشق، اصفهان، ۱۳۹۱.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، «الصحاح»، ج ۱ و ۲، چ ۴، دارالعلم، بیروت، ۱۴۰۷ق.





۱۴. دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه، «درآمدی بر لغت‌شناسی»، ج ۴، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، قم، ۱۳۹۶.
۱۵. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل، «مفردات الفاظ القرآن»، ج ۱، دار القلم، بیروت، بی‌تا.
۱۶. زبیدی، مرتضی، «تاج العروس من جواهر القاموس»، ج ۱، ج ۱، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۱۷. زمخشری، محمود بن عمر، «مقدمه الأدب»، ج ۱، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۶.
۱۸. سیوطی، جلال الدین، «المزهر فی علوم اللغة و أنواعها»، ج ۱، بی‌چا، دار الکتب العلمیه، بیروت، بی‌تا.
۱۹. فاطمی موحد، سیدحسن، «آسیب بسندگی به لغت نامه‌ها در فهم حدیث»، قم، نشریه حدیث حوزه، ۱۳۹۵.
۲۰. طریحی، فخرالدین، «مجمع البحرین و مطلع النیرین»، ج ۱، ج ۳، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، «کتاب العین»، چاپ دوم، نشر هجرت، قم، (بی‌تا).
۲۲. فیروزآبادی، «القاموس المحيط»، ج ۱، ج ۱، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۶ق.
۲۳. قفطی، جمال الدین، «انباه الرواة علی انباه النحاة»، ج ۱، المكتبة العنصریة، بیروت، ۱۴۲۴ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، ج ۵، بی‌چا، دار الحدیث قم، ۱۴۲۹ق.
۲۵. مسعودی، عبدالهادی، «روش فهم حدیث»، چاپ پنجم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۸۹.
۲۶. وکیلی، محمدحسن، «درس نامه علم لغت»، ج ۱، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، مشهد، ۱۳۹۹.